

مسئله حجاب (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی
نویسنده کتاب: مرتضی مطهری

چکیده

مسئله حجاب، نوشته مرتضی مطهری، کتابی در حوزه فقه زنان است که بر پایه درس‌های او در انجمن اسلامی پزشکان شکل گرفته و به چند زبان ترجمه شده است. مطهری در این کتاب، دیدگاه‌های مختلف درباره پیدایش حجاب را نقد می‌کند و علت اصلی آن را عفاف و حیای زنان می‌داند. او فلسفه حجاب در اسلام را بر چهار اصل آرامش روانی، استحکام خانواده، ثبات جامعه و احترام به زن استوار می‌داند.

مطهری از شبهات مطرح‌شده درباره حجاب، مانند مخالفت آن با حقوق زنان، پاسخ داده و تأکید می‌کند که حجاب نه به معنای محدودکردن زن در خانه، بلکه به معنای رعایت پوشش برای مصالح اجتماعی است. او وجوب پوشاندن غیر از صورت و کفین را قطعی می‌داند و با استناد به آیات و روایات، پوشاندن صورت و کفین را واجب نمی‌شمارد. به باور او، اگرچه ملاک وجوب حجاب در وجه و کفین نیز وجود دارد، اما به دلیل حرجی بودن و اختلال در فعالیت عادی زنان، این دو مورد از حکم پوشش استثنا می‌شوند. او معتقد است، دین اسلام بر حضور فعال زنان در جامعه همراه با رعایت حریم تأکید دارد.

معرفی کتاب

مسئله حجاب، تألیف مرتضی مطهری کتابی در حوزه فقه زنان است. مطالب این کتاب برگرفته از درس‌های نویسنده در جلسات انجمن اسلامی پزشکان است که پس از اصلاح عبارتها و اضافه شدن برخی مطالب از سوی نویسنده، منتشر شده است (ص ۱۳). کتاب مسئله حجاب به زبان‌های عربی، انگلیسی، آذری، اردو، روسی، فرانسوی، ترکمنی و غیره ترجمه شده است. انتشارات صدرا این اثر را در سال ۱۴۰۱ ش در نوبت چاپ ۱۳۴ منتشر کرده است. نقدهای یکی از خوانندگان همراه با پاسخ‌های نویسنده در کتاب مستقل دیگری با عنوان «پاسخ‌های استاد به نقدهایی به کتاب مسئله حجاب» جمع‌آوری و منتشر شده است.

نویسنده

مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش) فقیه، متفکر و اسلام‌شناس شیعه، از شاگردان سید حسین طباطبایی بروجردی و سید روح‌الله موسوی خمینی بود. از او آثار متعددی بر جای مانده که نظام حقوق زن در اسلام و اسلام و نیازهای زمان از جمله تألیفات او در فقه معاصر به شمار می‌آید.

ساختار و محتوای کتاب

کتاب مسئله حجاب شامل چند مقدمه (مقدمه‌هایی از ناشر و نویسنده)، فهرست مطالب، مباحث اصلی و فهرست‌های تخصصی است. مباحث اصلی کتاب در پنج بخش سامان یافته است. در بخش اول تاریخچه حجاب، در بخش دوم علت پیدایش حجاب در ملت‌های مختلف

و در بخش سوم فلسفه حجاب در اسلام بیان می‌شود. نویسندگان در بخش چهارم از اشکال‌های وارد شده به حکم شرعی حجاب پاسخ داده است. در بخش پنجم که نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده، احکام مربوط به حجاب، مانند استیذان، زینت و مستثنیات آن، و حدود پوشش، همراه با ادله آنها بررسی می‌شود.

فلسفه حجاب در اسلام

مرتضی مطهری در بخش نخست کتاب، با ذکر تاریخچه حجاب در ملل و ادیان مختلف، حجاب را از احکام اختصاصی اسلام نمی‌شمارد (ص ۱۹-۲۷). او در بخش دوم کتاب، دیدگاه‌های گوناگون پیرامون علل پیدایش حجاب، شامل عوامل فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و روانی را مطرح و نقد می‌کند، اما هیچ‌یک را در پیدایش حجاب، به‌ویژه در شکل‌گیری حکم حجاب در اسلام، مؤثر نمی‌داند (ص ۳۱-۶۱). به نظر او علت اصلی حجاب را باید در عفاف و حیای زنان جست (ص ۶۲). وی در بخش سوم کتاب، فلسفه پوشش در اسلام را ضمن چهار عامل ۱. آرامش روانی زنان و مردان، ۲. استحکام کانون خانواده، ۳. استواری اجتماع، و ۴. ارزش و احترام زن شرح می‌دهد (ص ۷۱-۸۷).

بخش چهارم کتاب، به شبهات مربوط به حجاب و پاسخ‌های آن اختصاص دارد. چهار اشکالی که نویسندگان آنها را بررسی کرده، عبارت‌اند از: ۱. منطقی نبودن حجاب، ۲. سلب حق آزادی از زن، ۳. رکود فعالیت‌های زن، ۴. افزایش التهاب‌ها و حریص شدن مردان به زنان. نویسندگان در پاسخ به ناسازگاری حجاب با حقوق بشر و آزادی زنان، حجاب را به معنای محبوس کردن زنان در خانه ندانسته، آن را نوعی مقید ساختن افراد به پوشش خاص می‌شمارد تا با رعایت آن برخی مصالح اجتماعی به دست آید؛ چنان‌که در کشورهای دیگر جهان، برای مصلحت جامعه محدودیت‌هایی، حتی برای پوشش مردان، قرار داده شده است (ص ۹۱-۱۱۱).

محدوده واجب برای پوشش زنان

نویسندگان بخش اصلی کتاب را با تفسیر آیات مربوط به حجاب، یعنی آیات ۲۷-۳۱ سوره نور و سپس آیات ۵۹-۶۰ سوره احزاب، آغاز می‌کنند. برخی مباحثی که وی در تفسیر آیات بیان کرده، عبارت است از: لزوم استیذان برای داخل شدن به خانه اشخاص (ص ۱۱۸)، وجوب ستر عورت (ص ۱۲۸)، وجوب آشکارن ساختن زینت (ص ۱۳۱)، کیفیت پوشش (ص ۱۳۹) و احکام اختصاصی حجاب زنان پیامبر (ص ۱۵۴).

مطهری در ادامه بخش پنجم، محدوده واجب برای حجاب را از نظر فقهی بررسی کرده است. او وجوب پوشاندن غیر صورت و کفین را از احکام قطعی و ضروری فقهی برشمرده، نگاه با قصد لذت یا ریه به صورت و کفین زنان (حتی زنان محرم) را حرام قطعی می‌داند (ص ۱۶۵-۱۶۷). او مسئله اصلی در محدوده پوشش بانوان را وجه و کفین (صورت و کف دستان) برشمرده است. به نظر نویسندگان، لزوم پوشش وجه و کفین، مرز محبوسیت و عدم محبوسیت زن در خانه (فعالیت اجتماعی زنان) است (ص ۱۶۸-۱۷۱).

عدم وجوب پوشاندن وجه و کفین

مؤلف با تمسک به ادله زیر پوشاندن وجه و کفین را لازم نمی‌داند:

آیه ۳۱ سوره نور؛ مطابق این آیه آشکار ساختن زینت‌های معمولی که در صورت و کفین زنان وجود دارد (مانند سرمه برای چشم، و انگشتر و دستبند برای دست) اشکالی ندارد. همچنین در بخش دیگر آیه پوشاندن گردن لازم دانسته شده، در حالی که به پوشاندن صورت اشاره نشده است، در حالی که اگر واجب می‌بود، بیان می‌شد (ص ۱۷۲-۱۷۳). روایات؛ بر اساس احادیث بسیار متعدد، راویان برای آگاهی از محدوده پوشش زنان، تنها درباره لزوم پوشاندن موی بانوان سؤال کرده‌اند و پیش‌فرض آنان جواز نپوشاندن وجه و کفین بوده است. مطهری برای این منظور، روایات متعددی را برای تأیید دیدگاه خود نقل می‌کند (ص ۱۷۵-۱۸۵). وی در ادامه دلایل زیر را که بر وجوب پوشاندن وجه و کفین اقامه شده، بررسی کرده، از آنها پاسخ می‌دهد:

سیره مسلمین؛ به گفته نویسنده اگرچه افراد متدین همواره وجه و کفین خود را می‌پوشاندند، اما این سیره در زمان معصومان وجود نداشت و در قرن‌های بعدی، در نتیجه اختلاط مسلمانان با فرهنگ‌های دیگری که صورت خود را هم می‌پوشاندند، به وجود آمد. جریان ملاک لزوم پوشش بدن، در پوشش وجه و کفین؛ پوشاندن بدن زنان به ملاک عفاف و جلوگیری از فتنه‌انگیزی واجب شده است و این ملاک در پوشاندن وجه و کفین نیز وجود دارد. نویسنده که جریان این ملاک را در وجه و کفین صحیح می‌داند، بر این باور است که در مسئله ملاک دیگری وجود دارد که موجب استثناسدن وجه و کفین از حکم پوشش می‌شود و آن، خرجی بودن و سلب امکان فعالیت عادی زنان در جامعه است (ص ۱۹۵-۲۰۰). نویسنده پس از ذکر برخی جریان‌های تاریخی مرتبط با حجاب، در مجموع چنین نتیجه می‌گیرد که اسلام نه با اختلاط و نه با مجبوس شدن زن در خانه موافق نیست، بلکه بر حضور زن در جامعه همراه با رعایت حریم تأکید دارد (ص ۲۰۱-۲۲۰).

